

پژوهش در تاریخ، سال یازدهم، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

## روابط خزران و اعراب در دوران امویان و عباسیان<sup>۱</sup>

محمت چگ<sup>۲</sup>

ترجمه مهسا محمد و سیما نصراللهی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

### چکیده

روابط میان خزران و اعراب که در دوران خلیفه دوم شروع شده بود در دوران خلفای اموی نیز، اغلب با جنگ‌های شدید، ادامه یافت. اما در دوران عباسیان از شدت نبردهای آنان کاسته شد و مناسبات تجاری و فرهنگی نیز رونق یافت. ساختار قدرتمند دولت خزر و اتحاد آن با بیزانس مانع پیشروی اعراب در قفقاز شد.

**واژگان کلیدی:** اعراب، خزران، روابط

### ۱. مقدمه

خزران که در طی قرون هفتم تا دهم میلادی در قفقاز و شرق اروپا حکومت می‌کردند، هم در تاریخ ترکان<sup>۴</sup> و اروپائیان و هم در تاریخ اسلام از جایگاه قابل توجهی برخوردارند. ساختار قدرتمند دولت خزر، اقتصاد پویا و ساختار قومی و فرهنگی خاص، باعث شد تا خزران یکی از

---

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Mehmet ÇOG, 2007, "EMEVLER VE ABBASİLER DÖNEMİ HAZAR-ARAP İLİŞKİLERİ", *Turkish Studies*, Vol. 2, Issue 2, 150-160.

۲. Mehmet ÇOG, Fırat Üniversitesi İlahiyat Fakültesi, İslam Tarihi Bölümü.

دکتر محمت چگ استاد گروه تاریخ اسلام دانشکده الهیات دانشگاه فرات ترکیه است که مقاله ایشان راجع به روابط خزران و اعراب در دوران امویان و عباسیان در پژوهش‌های ترک‌شناسی به چاپ رسیده است.

۳. مترجمان زبان ترکی استانبولی، pm\_135677@yahoo.com

۴. در اینکه آیا خزران و از نظر نژادی و زبانی ترک بودند هم در منابع دست اول تاریخی و هم در میان پژوهشگران کنونی تاریخ اختلاف نظر وجود دارد. اما مؤلف بدون اشاره به این امر خزران را کاملاً ترک دانسته است [م].

دولت‌های تأثیرگذار بر تاریخ منطقه، شرق اروپا و قفقاز، به شمار آید. روابط اعراب - خزران که از اواسط قرن هفتم شروع شده بود، در طول دوران حکومت امویان، اغلب با جنگ‌های کوچک و بزرگ مستمر، ادامه یافت. یکی از معدود دولت‌هایی که در قرون ذکر شده، در مقابل سپاه مسلمانان مقاومت کرد و گاهی هم به پیروزی نائل آمد، دولت خزر بود.

اعراب که قبل از اسلام از شبه جزیره عربستان خارج نمی‌شدند و در جوامع کوچک به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند، [بعد از اسلام] به خاطر پویایی‌ای که دین اسلام برای آنان به ارمغان آورد، گام‌های بزرگی جهت تبدیل شدن به ملتی واحد برداشتند. هنگامی که این آگاهی با آرمان گسترش دین اسلام همراه شد، آنان به قدرتی شکست ناپذیر تبدیل شدند. در دوران حکومت ابوبکر، عمر و عثمان سپاه مسلمانان شروع به فتح کشورها نمود و دین اسلام را با چنان سرعتی گسترش داد که در تاریخ جهان بی‌نظیر است. در دوران حکومت عثمان و حضرت علی [ع] وحدت سیاسی میان اعراب بسیار ضعیف شده بود. در دوران ذکر شده، روابط خارجی قطع و فتوحات متوقف شد.

اگر چه گفته می‌شود که عرب‌ها و ترکان خزر برای اولین بار در دوره حکومت عمر با یکدیگر مواجه شده‌اند اما [باید گفت] برای نخستین بار برخورد جدی آنان در دوره حکومت عثمان اتفاق افتاد<sup>۲</sup> و پس از این دوران، به خصوص، در زمان امویان همواره میان این دو حکومت جنگ و درگیری برقرار بود. [از این رو]، مقاومت طولانی مدت حکومت خزران مورد توجه مورخان اروپایی نیز قرار گرفته است. بیزانس خزر را، به عنوان وفادارترین متحد خود، در برابر حملات اعراب، انتخاب کرد و تلاش نمود روابط خود را با این دولت به طور دوستانه حفظ کند. زیرا مقاومت خزر در قفقاز همیشه کار را بر بیزانس تسهیل کرده و سبب می‌شد تا نیروهای نظامی اسلام که در طی لشکرکشی‌های خود قصد تصرف قسطنطنیه را داشتند، به دو قسمت تقسیم شوند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> توضیحات داخل [ ] از مترجمان است.

<sup>۲</sup> Michael Kmosko, "Araplar ve Hazarlar", *Türkiyat Mecmuası*, 1935, C. III, s. 133:

کُسکُ در مقاله خود در صدد اثبات این است که اطلاعات مربوط به جنگ‌های دوران عمر فقط در تاریخ طبری آمده است. وی بر همین مبنا دعوی می‌کند که در دوره مذکور جنگی [در قفقاز] رخ نداده است. باید گفت اگرچه جنگ رو در رو اتفاق نیفتاده اما در قفقاز مرز میان ترک‌ها و اعراب مشخص شده است.

<sup>۳</sup> Hüseyin Ali Dakuki, "Dört Halife Devrinde Araplar ve Hazarlar", çev: Faruk Toprak, *Türk Kültürü Araştırmaları*, 1987, 25(1-2), s. 92.

برخوردهایی که به صورت درگیری‌های مرزی میان اعراب و خزران در دوره عمر شروع شده بود، از دوره عثمان به بعد شدت گرفت و طی این درگیری‌ها هر دو سپاه هر از گاهی بر یکدیگر چیرگی می‌یافتند. با این حال تا زمان صلح میان دو طرف، هیچ کدام بر دیگری تسلط کامل نداشتند. حبیب بن مسلمه، با سپاه تحت امرش، هم زمان با تسلط بر گرجستان ۶۴۵م [۲۴ق] نبرد با خزران را هم شروع نمود. جنگ‌های گرجیان علیه خزران و همراهی آنان با مسلمانان نیز یکی از عوامل عدم موفقیت ترکان در این منطقه به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

خزرها با کمک سایر قبایل ترک توانستند به طور منظم‌تر در مقابل حملات روزافزون اعراب ایستادگی کنند. آنان با بررسی دقیق اشتباهات خود شروع به ارزیابی دلایل شکست‌هایشان نمودند و به این نتیجه رسیدند که اگرچه برای مدت طولانی هیچ نیرویی نتوانسته بود آنان را شکست دهد اما در عوض، خودشان نیز موفق به شکست اعراب نشده بودند. کم‌کم در میان ترکان، این باور که عرب‌های مسلمان تقریباً شکست‌ناپذیر هستند، گسترش پیدا کرده بود. خزرها برای غلبه بر این ترس و کسب یک پیروزی نیروهای مسلمانان را به دام انداختند و در پی آن بسیاری از نیروهایشان را کشتند. این حرکت باعث شد که ترس و پیش‌داری ترک‌ها از میان برود و با شدت بیشتری به عرب‌ها حمله نمایند. خلیفه سوم برای این که مسلمانان را در یک ماجراجویی خطرناک قرار ندهد، به فرمانده عبدالرحمان بن ربیع اجازه انتقام گرفتن نداد. اما عبدالرحمان از این دستور سرپیچی نمود و به ترکان حمله نمود. در نتیجه عرب‌ها شکست سنگینی خوردند و فرماندهان آنان نیز در سال ۶۵۳م [۳۲ق] در جنگ جان باختند.<sup>۲</sup>

## ۲. دوره امویان

به قتل رسیدن عثمان و وقوع جنگ‌های میان معاویه و [حضرت] علی [ع] سبب شد تا مسلمانان با مشکلات داخلی مواجه شوند و به ناچار از فتوحات و سیاست خارجی خود غافل شوند و بی‌زانس را، که چنین فرصت‌های برای حمله مغتنم می‌شمرد، فقط با پرداخت خراج متوقف کنند.<sup>۳</sup> معاویه قدرت را در دست گرفت و پس از حل مشکلات داخلی بلافاصله فتوحات

<sup>۱</sup>. Yakubî, *Tarihu 'l-Yakubi*, Beirut 1967, C.II, s. 156; İbnü'l-Esir *El-Kâmil fî't-Târih*, nşr: A. Ağırakça, İstanbul 1991, C. III s. 32.

<sup>۲</sup>. İbnü'l-Esir, *El-Kâmil*, s.137.

<sup>۳</sup>. Belâzuri, *Fütûhu 'l-Büldân*, çev: *Musrafa Fayda*, Ankara 1987, s.420-421; *Halife b. Hayat, Halife b. Hayat Tarihi*, çev: *Abdulhalık Bakır*, Ankara 2001, s. 205.

را آغاز کرد. برای این منظور نخست در سال ۶۶۲م [۴۱ق] به آناتولی و قفقاز، که تسلط تحت حکومت بیزانس بود، لشکرکشی نمود. در حقیقت هدف اصلی او از این کار دور نگه داشتن نیروهایش از درگیری‌های داخلی، محافظت از آنان و زنده نگه داشتن فتوحات بود.<sup>۱</sup> اما این مبارزات در قفقاز خیلی شدید نبود. بیزانس هدف اصلی معاویه بود. او قصد داشت نیرو و قدرت واقعی‌اش را با لشکرکشی به قسطنطنیه به رخ بکشد. این شهر در سال ۶۷۰م [۴۹ق] تحت محاصره شدید قرار گرفت. اما به دلیل شرایط نامساعد فصلی، گرسنگی و بیماری این محاصره چندان ادامه نیافت.<sup>۲</sup>

در زمان خلیفه عبدالملک [بن مروان ۶۵-۸۶ق] اتحاد اعراب باعث شد تا هم از نظر سیاسی و هم از نظر فرهنگی، پویایی‌ای جدیدی میان آنان ایجاد شود. از این رو، عرب‌ها تمام قدرت خود را صرف کسب فتوحات بیشتر نمودند. محمد بن مروان، برادر خلیفه و مسلم بن عبدالملک، با نیروهای تحت فرمان خود، سال‌ها درگیر جنگ‌های مداوم با خزرها در حوالی دربند بودند. عرب‌ها میان سال‌های ۷۰۶-۷۱۴م [۸۷-۹۵ق] برای فتح دربند حملات زیادی به خزرها نمودند. اما هر بار بدون داشتن یک پیروزی پایدار و فقط با دادن غنیمت و اسیران فراوان مجبور به بازگشت شده بودند.<sup>۳</sup>

با مرگ عبدالملک بن مروان، در دوران خلافت ولید بن عبدالملک [۸۶-۹۶ق] قلمرو حکومت اموی بسیار وسیع شده بود. موفقیت سیاسی و نظامی وی در این امر نقش بسیار مهمی داشت. زیرا ولید در سیاست داخلی شیوه بسیار موفقی را در پیش گرفته بود و برای رفاه مردم تمام تلاش خود را به کار گرفته بود. علاوه بر این، وی در اجرای آنچه که صحیح می‌دانست تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گرفت. این وضعیت باعث ایجاد آرامش داخلی در کشور و موفقیت در سیاست خارجی شد. فتوحات بزرگ، از شرق تا غرب، نیز با موفقیت همراه بود. فتوحات پایدار در اسپانیا، خراسان، ماوراءالنهر و آناتولی نیز در این دوره شروع شد.<sup>۴</sup> با وجود این دستاوردها، در جبهه خزر هنوز پیروزی چشمگیری که راه را برای مسلمانان باز کند، حاصل نشده بود.

<sup>۱</sup> İrfan Aycan, *Saltanat' a Giden Yolda Muaviye b. Ebi Süfyan*. Ankara 1999, s. 257.

<sup>۲</sup> İbni Haldun, *Kitabü'l-İber ve Divanü'l-Mübtede-i ve'l-Haber*, Beyrut 1966, C.II, s. 2022;

<sup>۳</sup> İbni Haldun, *Tarihu İbnu Haldun*, Beyrut 1971, C. III, s. 70-73.

<sup>۴</sup> Hasan İbrahim Hasan, *İslam Tarihi*, İstanbul 1987, s. 380. İbrahim Sarıçam-İrfan Aycan, *Emeviler*, Ankara 1993, s. 65.

والی قفقاز، مسلمه بن عبدالملک، میان سال‌های ۷۰۶-۷۲۰م [۱۰۱-۸۷ق] یکی از فرماندهانی بود که بیشترین نبردها را با خزرها داشت. در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز [۹۹-۱۰۱ق]، زمانی که مسلمه والی بود، سپاه مسلمانان به شدت با سپاه بیزانس به نبرد پرداخت. از آنجایی که اعراب به شدت با بیزانس در جنگ بودند، نتوانستند نیروی کافی برای نبرد با خزر فراهم کنند. از این رو، اعراب به دلیل اتحاد خزر-بیزانس نتوانستند در هر دو جبهه به نتیجه‌ای مطلوب برسند.<sup>۱</sup>

دوره دیگری از مبارزات بسیار سخت و خونین در جبهه خزر، در دوران جراح بن عبدالله حکمی، والی [قفقاز]، بوده است. در سال ۷۲۰م [۱۰۱ق] به جراح دستور داده شد در مقابل حملات خزرها دفاع نکند بلکه حمله نماید. جراح، بر اساس این دستور، با یک شبیخون خزرها را شکست داد و اسیران و غنایم بسیار زیادی به دست آورد. طولی نکشید که دو سپاه در نزدیکی شهر دربند با هم روبرو شدند. گزارش شده است در این جنگ، خزران چهل هزار و عرب‌ها در حدود بیست و پنج هزار نیرو داشتند.<sup>۲</sup> در نتیجه اعراب در این جنگ پیروز شدند و تعداد زیادی اسیر و مقدار فراوانی غنیمت بدست آوردند. رفتار عرب‌ها با اسیران ترک در این جنگ، نشانگر شدت جنگ‌ها می‌باشد. بر طبق روایت طبری، جراح، به دلیل زیاد بودن تعداد اسیران، دستور داد بسیاری از آنها را به همراه خانواده‌هایشان را به داخل رودخانه بلنجر بیندازند. اگرچه احتمال دارد که در این روایت اغراق شده باشد اما از نظر ارزیابی شدت درگیری‌های این دو دولت بسیار مهم است. بعد از این وقایع، خزرها با سپاه عظیمی برای حمله به جراح آماده شدند. جراح قصد داشت در مقابل این حمله مقاومت کند. اما در همان زمان خلیفه یزید [بن عبدالملک ۱۰۱-۱۰۵ق] درگذشت و هشام بن عبدالملک [۱۰۵-۱۲۵ق] جانشین او شد.

در تاریخ امویان، روابط عرب-خزران در زمان هشام هم دارای اهمیت خاصی بود. اگرچه عرب‌ها در دوره حکومت هشام، نزدیک به بیست سال به موفقیت‌های نظامی جزئی دست یافتند اما به طور کلی تحولاتی زمینه‌سقوط دولت اموی را فراهم کرد. در این دوره قبل از هر چیز سیاست‌هایی با هدف افزایش درآمدهای خزانه دنبال می‌شد. گرفتن مالیات‌های ناعادلانه برای رسیدن به این هدف موجب شورش در تمام سرزمین‌ها شد. علاوه بر این، حقوق سیاسی

1. M.İ Artamanov, *Hazar Tarihi*, çev: Ahsen Batur, İstanbul 2004, s.273; Taberi, *Tarih*, C. III, s. 1347.

2. Taberi, *Tarih*, C. II, 1453. Artamanov, *Hazarlar*, s. 277.

و اجتماعی اعطا شده به غیر عرب‌ها که در زمان عبدالعزیز اعمال شده بود دوباره لغو شده بود. این وضعیت منجر به شورش علیه حکومت، به‌ویژه، میان ایرانیان و غیرایرانیان شد.<sup>۱</sup> افزایش مخالفت‌ها علیه عباسیان در این دوره باعث شد تا حکومت بنی امیه به پایان خود نزدیک شود. شکست اعراب در برابر فرانک‌ها در اسپانیا نیز در این دوره اتفاق افتاد.

اگر چه در دوره هشام در بسیاری از جبهه‌ها شکست‌های نظامی رخ داد اما در جبهه خزر پیروزی‌هایی پایداری حاصل شد. هشام توجه ویژه‌ای به نبرد با خزرها داشت و تا زمانی که نتیجه نهایی حاصل شد سه والی را تغییر داد. ابتدا به جای جراح، که والی ارمنستان و آذربایجان در دوره خلافت یزید بود، برادرش مسلمه بن عبدالملک را به عنوان والی منصوب نمود.<sup>۲</sup> مسلمه، به‌ویژه به دلیل جنگ‌های موفقیت‌آمیز خود در مقابل بیزانس، در زمره موفق‌ترین فرماندهان تاریخ بنی‌امیه بود. اگر چه او یکی از محبوب‌ترین فرزندان خلیفه عبدالملک بود اما به دلیل اینکه مادرش عرب نبود، او را شایسته خلافت نمی‌دیدند. با این حال مسلمه هم به دلیل سرکوب آشوب‌ها و هم به دلیل مبارزه موفق علیه بیزانس و خزرها، یکی از مهمترین شخصیت‌های تاریخ بنی‌امیه است.<sup>۳</sup> او در طی سال‌های ۷۲۷-۷۲۸م [۱۰۸-۱۰۹ق] دو نبرد بزرگ با ترک‌ها انجام داد. در منابع مختلف از جنگ‌های که در سال ۷۲۷م [۱۰۸ق] اتفاق افتاد با عنوان «نبرد گل» یاد شده است. جنگ ذکر شده به خاطر این که در فصلی بسیار بارانی درگرفت و یک ماه هم به طول انجامید به این اسم نامگذاری شده است. با این که مورخان عرب معتقدند عرب‌ها پیروز شده‌اند اما در واقع، در این جنگ هیچ یک از دو طرف حتی یک پیروزی قطعی هم کسب نکرده و مجبور به عقب نشینی شده‌اند.<sup>۴</sup>

هشام در همان سال برادرش مسلمه را برکنار و برای بار دوم جراح بن عبدالله الحکمی را به عنوان والی انتخاب کرد. جراح و سپاه وی علی‌رغم داشتن تجربه کافی در منطقه قفقاز، در جنگ با خزرها، شکست سنگینی متحمل شدند. در این جنگ عرب‌ها در اطراف اردبیل خسارات زیادی را متحمل شدند و فرماندار جراح نیز در این جنگ جان باخت.<sup>۵</sup> خزرها، با

<sup>۱</sup> İbni Kesir, *El-Bidaye ve'n-Nihaye*, çev: Mehmet Keskin, c.X, İstanbul 1995, s. 12; İsmail Hakkı Atçeken, *Devlet Geleneği Açısından Hişam b. Abdülmelik*, s. 165-175.

<sup>۲</sup> Yakubi, *Tarih*, C.III, s. 385. Belazuri, *Fütuh*, s. 270; Artamanov; s. 277.

<sup>۳</sup> Mehmet Azimli, "Mesleme b. Abdükmelik ve Fütühatı", *Dicle Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, Diyarbakır 2000, C. II, s.85-104.

<sup>۴</sup> Halife b. Hayat, s. 408; İbnü'l-Esir, *El-Kamil*, IV, s. 205.

<sup>۵</sup> Ezdi, *Tarihu'l-Mazsil*, Kahire 1967, s. 25-30; Halife b. Hayat, *Tarihu Halife*, s. 409; İbnül Esir, *El-Kamil*, V, s. 136.

استفاده از این فرصت، شروع به گسترش قلمرو خود از منطقه آذربایجان تا دیاربکر کردند. خلیفه هشام برای گرفتن انتقام شکست تلخی که خورده بود شخصاً وارد عمل شد و سپاه زبده‌ای را که آماده کرده بود، به مقابله خزرها فرستاد. وی در طی این تدارکات‌ها، برادرش مسلمه را به والیگری آذربایجان [و ارمنستان] بازگرداند. از این زمان به بعد مبارزه عرب - خزر مجدداً با تمام شدت ادامه یافت. این مبارزات تا سال ۷۳۲م [۱۱۳ق] با حملات متقابل از سمت هر دو طرف ادامه یافت. اما سعد بن عمرو، فرمانده مسلمه، با حملات مداوم خود در برابر خزرها، باعث شکسته شدن مقاومت آنان شد.<sup>۱</sup>

اگر چه مسلمه شکست‌های آشکاری نداشت اما در نتیجه دسیسه‌های مختلف از منصبش برکنار و مروان بن محمد به جای او به عنوان والی انتخاب شد. در حقیقت روایت شده است که خود مروان نیز در این تغییر مؤثر بوده است.<sup>۲</sup> با این وجود، مروان در سیاست قفقاز تجربه کافی داشت. زیرا جنگ اعراب و خزران در زمان حکومت او روند دیگری به خود گرفت و اعراب علی - رغم شکست در بسیاری از جبهه‌ها، در برابر خزرها نتایج مشخص و موفقی کسب کردند. مروان قبل از رفتن به منطقه، با حضور یافتن نزد خلیفه، تلاش کرد خلیفه را برای حمله بزرگ به خزرها راضی کند. وی پس از این موفقیت حدود صد هزار سرباز آماده کرد و مقدمات حمله به خزرها را فراهم آورد. او در طی این سفر، شورش گرجستان را نیز سرکوب نمود. گرجی‌ها به دلیل ظلم‌ها و شکنجه‌هایی که مرتکب شده بود. به او لقب کر به معنی ناشنوا دادند.<sup>۳</sup> مروان که قیام گرجی‌ها را سرکوب کرده بود، بلافاصله به خزرها حمله کرد و مبارزه عرب - خزر در منطقه وسیعی ادامه یافت. افزون بر این، اعراب در طی نبردهایی که در شهرهای کسکر و سمندر درگرفت سپاه چهل هزار نفری خزر را به شدت شکست داد. خاقان خزر که تمام قدرت دفاعی خود را در مقابل ارتش عرب که تا شهر بیضا [اتیل]، پایتخت، پیش آمده بودند، از دست داده بود مجبور شد در سال ۷۳۷م [۱۱۸ق] درخواست صلح نمایند. مروان در جواب درخواست صلح خاقان خزر، شرط مسلمان شدن خاقان را مطرح نمود و خاقان از روی اجبار مسلمان

<sup>۱</sup>. İbni Haldun, *Tarihu.*, III, s.95, Belazuri, *Fütuḥ*, s. 155.

<sup>۲</sup>. Hüseyin Ali Dakuki, *Emevi Hilafeti Devrinde Hazar Tehlikesi*, çev: Faruk Toprak, *Türk Kültürü Araştırmaları*, 1987, 25(1-2), s. 102.

<sup>۳</sup>. M. F. Brosset, *Gürcistan Tarihi*, Gürcüceden çev: Hrant Andresyan, Haz: Erdoğan Merçil, Ankara 2003, s. 202-210.

شد. اما بعد از رفتن عرب‌ها به دین قبلی خود بازگشت. زمانی که مسلمانان عقب نشینی می‌کردند، دو روحانی به نام‌های نوح بن ثابت و عبدالرحمان الهولوی برای گسترش اسلام در شهر ایدیل ماندگار شدند. از آن تاریخ به بعد جنگ شدیدی میان خزرها و اعراب صورت نگرفت و دین اسلام، هرچند به کندی، در میان خزرها کم‌کم گسترش یافت.<sup>۱</sup>

این پیروزی قاطع در زمان حکومت مروان کافی بود تا اعراب بتوانند برای مدتی بر خزرها سلطه سیاسی داشته باشند. با توجه بر این امر، اعراب پیش‌بینی می‌کردند که اسلام، همانند سایر شهرهای تحت سلطه آنها، به سرعت در میان ترک‌های خزر نیز گسترش خواهد یافت. به دنبال آن، سلطه سیاسی آنها نیز طولانی مدت خواهد بود و این منطقه جنگی که سال‌ها بخش مهمی از سپاه را به خود مشغول کرده بود، به آرامش خواهد رسید. اما این پیش‌بینی آن‌طور که انتظار می‌رفت درست از آب درنیامد و خزرها همچنان از پذیرش اسلام سر باز زدند. دلیل این امر پیش از هر چیز این بود که در میان خزرها، مانند سایر مناطق اسلامی شده، آشفتگی اجتماعی و سیاسی کافی برای تسهیل کار اعراب وجود نداشت.<sup>۲</sup> علاوه بر این، تجارت پویا و زنده کشور و همزیستی هماهنگ عناصر مختلف باعث شد تا زندگی تحت سلطه حکومت بنی‌امیه که سال‌های طولانی غیرعرب‌ها را تحقیر کرده بود برای خزرها جذاب و قابل قبول نباشد. علاوه بر پیشرفت دولت خزر در این دوره، نمی‌توان از تأثیر جامعه نسبتاً مستقر و متمدن خزر نیز چشم‌پوشی کرد. نظم تثبیت شده دولت و فعالیت‌های تجاری با درآمد بالا در کنار تعصبات دینی و وحدت سیاسی، خزرها را به یک دولت قدرتمند تبدیل کرده بود.

پس از ضربه سنگینی که به فرماندهی مروان بر خزرها فرود آمد آنها دیگر خطری برای عرب‌ها محسوب نمی‌شدند. اما بنی‌امیه نمی‌توانست سپاه را برای همیشه در منطقه نگه دارد. این امر آنان را که در موقعیت خطرناکی قرار داشتند، از سقوط نجات داد. در آن سال‌ها وضعیت دولت اموی نیز تفاوت چندانی با خزرها نداشت و پس از مدت کوتاهی در سال ۷۵۰م [۱۳۲ق] دولت اموی سقوط کرد.

مقاومت خزرها در برابر حملات اعراب مسلمان در دوره چهار خلیفه نخست و امویان برای تاریخ جهان نیز دستاورد مهمی در بر داشت. بر طبق دیدگاهی کلی، اگر اعراب از این مانع

<sup>1</sup>. Hakkı Dursun Yıldız, "Hazarlar Arasında Müslümanlığın Yayılması", VIII. Türk Tarih Kongresi, Ankara 1981, C.II, s. 858.

<sup>2</sup>. Artamanov, *Hazarlar*, s. 296.



عبور کرده و از کوه‌های قفقاز نیز می‌گذشتند اسلام در جهت اروپای شرقی گسترش می‌یافت و سیر تاریخ تغییر می‌کرد. زیرا در دوره ذکر شده، به جز ترک‌ها هیچ سازمان سیاسی دیگری در منطقه قادر به مقاومت در برابر اعراب نبود. همچنین، براساس نظر اکثر تاریخ‌وران، در چنین شرایطی گسترش اسلام گرایی در اروپای شرقی که هنوز توسعه سیاسی - فرهنگی آن کامل نشده بود، سریع‌تر اتفاق می‌افتاد.<sup>۱</sup>

در مقاومت پیروزمندان خزرها، همانند پویایی داخلی آنها، اتحاد سیاسی‌یشان با بیزانس نقش مهمی داشته است. اتحاد خزر- بیزانس که باعث تضعیف ساسانیان شده بود به دلیل تهدید شدنشان از سوی اعراب همچنان ادامه یافت. این اتحاد که همراه با تأسیس دولت خزر در سال ۶۳۰م [ق ۸] تقویت شد تا اواخر قرن هشتم ادامه داشت و مانع پیشروی اعراب در قفقاز شد. در شرایطی که منافع سیاسی و اقتصادی، هر دو دولت آنها را به همکاری وادار می‌نمود. بیزانس که نه تنها در قفقاز بلکه در سرزمین آناتولی هم تحت فشار اعراب بود، نمی‌خواست متحدان ترک خود را از دست بدهد.<sup>۲</sup> به همین دلیل با پیوندهای خویشاوندی ارتباط نزدیکی با خزرها برقرار کرد. به طوری که جاستین دوم (۶۸۵-۶۹۵م) [۶۵-۷۵ق] و کنستانتین سوم (۷۴۱-۷۵۵م) [۱۲۳-۱۳۷ق] با شاهزادگان خزری ازدواج کردند. امپراطور لئون، پسر کنستانتین و پرنس چیچک [گل]، به لئون خزر نیز معروف است.<sup>۳</sup> یکی دیگر از دلایلی که باعث شد تا دولت بیزانس خزرها را به عنوان متحد خود به شمار آورد این بود که خزرها متمدن‌ترین جامعه حاضر در منطقه بودند. بسیاری از قبایل منطقه در آن دوران یا همچنان کوچ‌نشین بودند یا هنوز توسعه تمدنی خود را به پایان نرسانده بودند. آسان بودن تداوم روابط دیپلماتیک و سیاسی با یک جامعه‌ای متمدن و نیز تجارت پویای خزرها، بیزانس را ملزم به این‌گونه رفتارها می‌نمود. بعداً همزمان با فروپاشی خزرها، بیزانس به روس‌ها کمک کرد و قبایل غیرمتمدن روس جایگزین خزرها در منطقه شدند. این وضعیت برای مدت طولانی باعث بی‌ثباتی سیاسی در قفقاز و اروپای شرقی شد.<sup>۴</sup> درگیری‌های عرب - خزر که حدود ۱۵۰ سال به طول انجامید عموماً با جنگ‌های بسیار سختی سپری شد. اعراب در نتیجه این رقابت جنوب قفقاز را به

1. Kevin Alan Blook, "Hazar- Bizans İlişkileri", Ankara 2002, *Türkler*, C.I, s. 475-480; Aratmanov, s. 298; Michael Kmosko, *Araplar ve Hazarlar*, s. 135.

2. Georg Ostrogosky, *Bizans Devleti Tarihi*, çev: Fikret İşıltan, Ankara 1999, s. 96,146.

3. Zeki Velidi Togan, *Umumi Türk Tarihine Giriş*, İstanbul 1981, s. 57; İbrahim Kafesoğlu, *Türk Milli Kültürü*, İstanbul 1994, s. 159.

4. Rene Grousset, *Bozkır İmparatorluğu*, çev: Reşat Uzmen, İstanbul 1993, s. 180

تسلط خود درآوردند. اما هر دو طرف خسارات مادی و معنوی قابل توجهی متحمل شدند. در واقع، برنده اصلی این درگیری‌ها بیزانس بود. در نهایت، بیزانس نه تنها از خطر فروپاشی جان سالم به در برد، حتی گهگاه فرصت حمله به اعراب را نیز به دست آورد.

### ۳. دوره عباسیان

با به دست گرفتن قدرت توسط عباسیان، سیاست خارجی عرب‌ها، به خصوص در سال‌های اولیه، روندی صلح‌جویانه داشت. در این دوره در راستای رسیدن به هدف اصلی، یعنی حفظ صلح و نظم در سیاست داخلی و تحکیم دولت تازه تأسیس، در این دوره درگیری‌های چندانی با خزرها به وجود نیامد. اگر چه هر از گاهی جنگ‌هایی در می‌گرفت اما می‌بینیم که مانند دوره اموی نبردهای طولانی مدت و خونین رخ نداده است. خلیفه منصور [۱۳۷-۱۵۸ق] به حفظ صلح با ترک‌های خزر اهمیت ویژه‌ای می‌داد. بدین منظور به یزید بن [أسید] سلمی، والی ارمینیه، توصیه کرد که با احتیاط رفتار کند. حتی از او خواست تا در صورت امکان با خاقان خزر پیوند خویشاوندی برقرار نماید. از این رو، یزید پیشنهاد خود را با باگاتور، خاقان خزر، مطرح نمود و مورد پذیرش وی قرار گرفت.<sup>۱</sup> یزید به جای شیربها هدیه‌ای به ارزش یکصد هزار درهم به خاقان پرداخت کرد. خاقان خزر نیز بر طبق آداب و رسوم ترک‌ها، هدایای فراوانی به عنوان جهیزیه دخترش فراهم کرد. طبق اطلاعات موجود در منابع، این هدایا شامل چهار هزار اسب، هزار قاطر، هزار خدمتکار، یازده هزار شتر و هزار شتر دو کوهانه ترکی بود.<sup>۲</sup> اما این تلاش‌های همراه با حسن نیت دو طرف نتیجه مثبتی در پی نداشت. زیرا پس از مدتی، عروس ترک در هنگام زایمان همراه با فرزندش مرد. شایعاتی مبنی بر این که عرب‌ها این کار را عمداً و برای انتقام گرفتن انجام داده‌اند، به گوش خاقان خزر رسید و او را اغوا نمودند. به دنبال این ماجرا، خزرها به منظور گرفتن انتقام، به سرزمین‌های ارمنستان و تفریس، که تحت سیطره اعراب بود، در سال (۷۶۵م) [۱۴۷ق] حمله کرد و تعداد زیادی از مسلمانان را کشت. سپاه عباسی در مقابل این حملات عکس‌العمل خاصی نشان نداد و ترک‌ها نیز به دلیل فرا رسیدن زمستان مجبور به عقب‌نشینی شدند.<sup>۳</sup> در سال‌های بعد و تا دوران هارون الرشید [۱۷۰-

<sup>۱</sup>. Belâzuri, Fütuh, s. 300; Zeki Velidi Togan, "Hazarlar", MEB. İA, C.V, Konya 1997, C.V, s. 401.

<sup>۲</sup>. Eşref Buharalı, "Hazar Türkleri'nin Kültür Tarihine Ait Bazı Notlar", Türk Kültürü, 1991, 29 (342), s. 505.

<sup>۳</sup>. Hakkı Dursun Yıldız, *İslamiyet ve Türkler*, İstanbul 1976, s. 40.

۱۹۳ق] میان اعراب و خزرها جنگ‌های جزئی در حد درگیری‌های مرزی در گرفت. با این حال، هیچ یک از این درگیری‌ها به سختی جنگ‌های زمان بنی امیه نبود. عرب‌ها در این مدت نهایت سعی خود را به کار می‌گرفتند تا سیاستی مسالمت‌آمیز را در قبال خزرها در پیش گرفتند. بدون شک، آشفتگی در امور داخلی آنها ارتباط زیادی با این موضوع داشت. شورش‌هایی<sup>۱</sup> که در سراسر خلافت آغاز شد دست آنها را در برابر خزرها، رقیب قدرتمندشان، بست.

آخرین جنگ بزرگ میان هر دو قدرت در زمان حکومت هارون الرشید اتفاق افتاد. منابع عربی دو شایعه متفاوت درباره دلایل این جنگ را روایت می‌کنند. اولین شایعه در مورد مرگ دختر خزری این است که وی همانند دیگر دختر خزری در دوره خلیفه منصور، به دربار عباسیان می‌رود اما در زمان زایمان می‌میرد. از این قرار، که فاضل بن یحیی برمکی، والی آذربایجان و ارمینیه، به دلیل ناتوانی در کنترل نابسامانی‌های مداوم در قفقاز که توان مالی کافی برای مقابله با خاقان خزر را نداشت، تصمیم گرفت با ازدواج با دختر خاقان، او را وادار به صلح نماید. وی این پیشنهاد را قبول کرد و دخترش سیتیت (سویت) را به عنوان عروس نزد برمکی فرستاد. اما همانند مورد قبل، طولی نکشید که این دختر ترک نیز از دنیا رفت. به خان خزر گفته شد که این مرگ طبیعی نبوده، بلکه برای انتقام انجام گرفته است. پس از این واقعه، خزرها با سپاه بزرگی شروع به غارت سرزمین عرب‌ها کردند.<sup>۲</sup> فقط مورخان [عرب] به طور بسیار خلاصه به این روایت پرداخته‌اند و آن را به صورت مقدمه‌ای برای روایت دوم گزارش کرده‌اند. رویداد دوم با جزئیات بیشتری بیان شده است.

در روایت دوم، شورش ارمنیان در قفقاز و وقایع ناشی از درگیری میان آنان و کارگزاران عرب به عنوان دلیل اصلی بیان شده است. هارون الرشید، برای حل مشکلات مردم قفقاز، سعید بن سلم قتیبه الباهلی را به عنوان والی منطقه تعیین کرد اما هم مردم محلی و هم نجم بن هاشم، والی [سابق] مردم عرب [در قفقاز]، علیه حاکم جدید دست به شورش زدند. زمانی که سعید توانست، نجم را که مورد قبول عرب‌ها بود، به دام اندازد و به قتل برساند اوضاع منطقه به شدت متشنج شد. خاندان نجم، که نفوذ قابل توجهی در منطقه داشتند و مدت زیادی والی منطقه بودند، این وضعیت را تاب نیاوردند. پسر نجم به خزرها پناهنده شد و همراه آنان علیه حاکم

<sup>1</sup>. Bkz. Cem Zorlu, *Abbasilere Yönelik Dini ve Siyasi İsyânlar*, Ankara 2001.

<sup>2</sup>. Yakubi, *Tarihu*, C.II, s.10, İbnü'l-Esir, *El-Kamil*, C. VI, s. 149.

جدید جنگید. در این جنگ که در سال ۷۹۹م [۱۸۲ق] رخ داد، خزرها برای مدتی در سرزمین ارمنستان باقی ماندند، اما بعد عقب نشینی کردند.<sup>۱</sup>

پس از این جنگ بزرگ، دیگر نبردی میان دو حکومت در نگرفت. پس از آن عمدتاً روابط تجاری و فرهنگی اولویت یافت و نفوذ اسلام به طور قابل ملاحظه‌ای در میان خزرها اشاعه پیدا کرد. روابط تجاری میان دو دولت که پیش از آن هرچند اندک برقرار بود، از قرن دهم افزایش یافت. برقراری صلح، کشور خزر را به یکی از مناطق پر رونق تجاری برای تاجر مسلمان تبدیل کرد. در نتیجه شرایط به وجود آمده، دانشمندان و روحانیان مسلمان شروع به فعالیت در میان خزرها کردند.<sup>۲</sup> ابن فضلان که در سال ۹۲۱م [۳۰۸ق] به این سرزمین سفر کرده بود برای توصیف وضعیتی که از آن صحبت کردیم، این چنین می‌نویسد: «بعد از این که خزرها اِتل را به عنوان پایتخت انتخاب کردند، مردم در دو طرف رودخانه ساکن شدند. رودخانه شهر را به دو قسمت تقسیم کرد. در یک طرف خاقان و همراهانشان و در طرف دیگر مسلمانان ساکن شدند. یک مقام دولتی مسلمان به نام «خز» برای رسیدگی به دادرسی‌های حقوقی مسلمانان و تاجر مسلمانی که به اینجا می‌آمدند منصوب شد. کسی غیر از خز نمی‌توانست به پرونده‌های حقوقی مسلمانان رسیدگی کند». فضلان اشاره می‌کند که در هنگام سفر وی به این سرزمین، یک مسجد در شهر اِتل وجود داشته است. نویسندگانی مانند مسعودی و ابن حوقل، که احتمالاً پنجاه سال پس از ابن فضلان از شهر اِتل بازدید کرده‌اند، می‌نویسند که این شهر ۳۰ مسجد داشته و همچنین درباره‌ی تأثیر بسزای مسلمانان بر زندگی تجاری و علمی منطقه سخن به میان می‌آوردند.<sup>۳</sup> همانطور که از این داده‌ها پیداست، پس از برقراری صلح، روابط خزر و عرب به صورت بسیار دوستانه پیش رفت و باعث شد تا به جای دشمنی تاریخی دین اسلام گسترش یابد. اگرچه خاندان خاقان یهودی ماندند اما اسلام از سوی اکثریت مردم پذیرفته شد. این دوستی با گذشت زمان به یک اتحاد سیاسی تبدیل شد. روس‌ها که در اوایل قرن دهم بسیار قدرتمند شده بودند هم به خزرها و هم به عرب‌ها خسارات فراوانی وارد آوردند. در طی

<sup>۱</sup> Taberi, Tarih, C.III, 650; Yakubi, C. II, 5, 20; İbnü'l-Esir, *El-Kamil*, C.VI, s. 150; Artamanov, s. 328.

<sup>۲</sup> Hakkı Dursun Yıldız, "Hazarlar Arasında", s. 856; Emel Esin, *İslamiyette Önce Türk Kültür Tarihi ve İslam'a Giriş*, İstanbul 1978, s. 145-155.

<sup>۳</sup> İbni Fazlan, *Seyahatname*, haz: Ramazan Şeşen, İstanbul 1975, s. 79; Ramazan Şeşen, *İslam Coğrafyacılarına Göre Türkler ve Türk Ülkeleri*, İstanbul 1985, s. 25 vd.

یکی از حملات روس‌ها در سال ۹۱۳ [۳۰۰ق] اتحاد مسلمانان، ترک‌ها و مسیحیان نیروهای روسی را به کلی نابود کرد.<sup>۱</sup>

یکی از عوامل مهم گسترش اسلام میان خزرها، ترک‌های خوارزم بودند. خاقان خزر در برابر حملات روس‌ها و قبایل مختلف ترک از خوارزم‌ها کمک خواست. ترک‌های خوارزم نیز تنها به این شرط قبول کردند به خزرها کمک کنند که آنها اسلام را بپذیرند. طبق توافق نامه میان آنان، خوارزم‌ها توافق کردند که فقط علیه غیر مسلمانان با خزرها متحد شوند و همکاری نمایند.<sup>۲</sup>

### نتیجه

درگیری‌های طولانی مدت میان خزران و اعراب به هر دو طرف خسارت زیادی وارد کرد. حملات بنی امیه که با هدف خشونت و گاهاً فقط برای به دست آوردن غنیمت انجام می‌گرفت، ترک‌های خزر را همانند ترک‌های مناطق دیگر به دشمنی علیه اعراب سوق داد. به طوری که حتی تلاش‌های همراه با حسن نیت در دوره عباسیان نیز نتایج طولانی مدتی در پی نداشته است. مقاومت خزرها در مقابل اعراب همسنگ با مبارزه شارل مارتل، در طرف دیگر اروپا، علیه اعرابی که قصد داشتند با عبور از کوه‌های پیرنه فرانسه را تصرف کنند، تلقی شده است. در حقیقت، در هر دو حالت، اگر اعراب می‌توانستند هم از کوه‌های پیرنه عبور کرده و هم قفقاز را پشت سر گذارند، سپاه اسلام به راحتی تا داخل اروپا پیش می‌رفت. از این نظر، مبارزه عرب و خزر را می‌توان پیش زمینه مبارزات بیزانس و عرب دانست. علی‌رغم حملات شدید اعراب، خزرها از معدود دولت‌هایی بودند که توانستند سال‌های متمادی در مناطق قفقاز و شمال دریای سیاه اقتدار سیاسی داشته باشند و گروه‌های قومی و دینی گوناگون را با موفقیت در کنار هم مدیریت کنند.

### منابع و مأخذ

*Belâzuri, Fütûhu'l-Büldân, çev: Musrafa Fayda, Ankara, 1987.*

Bkz. Cem Zorlu, *Abbasilere Yönelik Dini ve Siyasi İsyanlar*, Ankara, 2001.

Emel Esin, *İslamiyetten Önce Türk Kültür Tarihi ve İslam'a Giriş*, İstanbul, 1978.

Eşref Buharalı, "Hazar Türkleri'nin Kültür Tarihine Ait Bazı Notlar", *Türk Kültür*, 1991.

<sup>1</sup> V. Barthold, *Orta Asya Türk Tarihi Hakkında Dersler*, Haz: K. Y. Koprman-A. İ. Aka, Ankara 1975, s. 82.

<sup>2</sup> V. Barthold, s. 85.

- Ezdi, *Tarihu'l-Mazsil*, Kahire 1967.
- Georg Ostrogosky, *Bizans Devleti Tarihi*, çev: Fikret Işıltan, Ankara, 1999.
- Hakkı Dursun Yıldız, "Hazarlar Arasında Müslümanlığın Yayılması", *VIII. Türk Tarih Kongresi*, Ankara, 1981.
- Hakkı Dursun Yıldız, *İslamiyet ve Türkler*, İstanbul, 1976.
- Halife b. Hayat, Halife b. Hayat Tarihi*, çev: Abdulhalık Bakır, Ankara, 2001.
- Hasan İbrahim Hasan, *İslam Tarihi*, İstanbul, 1987.
- Hüseyin Ali Dakuki, "Dört Halife Devrinde Araplar ve Hazarlar", çev: Faruk Toprak, *Türk Kültürü Araştırmaları*, 1987.
- Hüseyin Ali Dakuki, Emevi Hilafeti Devrinde Hazar Tehlikesi, çev: Faruk Toprak, *Türk Kültürü Araştırmaları*, 1987.
- İbni Fazlan, *Seyahatname*, haz: Ramazan Şeşen, İstanbul, 1975.
- İbni Haldun, *Kitabü'l-İber ve Divanü'l-Mübtede-i ve'l-Haber*, Beyrut, 1966.
- İbni Haldun, *Tarihu İbnu Haldun*, Beyrut, 1971.
- İbni Kesir, *El-Bidaye ve'n-Nihaye*, çev: Mehmet Keskin, c.X, İstanbul, 1995.
- İbnü'l-Esir *El-Kâmil fi't-Târih*, nşr: A. Ağırakça, İstanbul, 1991.
- İbrahim Kafesoğlu, *Türk Milli Kültürü*, İstanbul, 1994.
- İbrahim Sarıçam-İrfan Aycan, Emeviler, Ankara, 1993.
- İrfan Aycan, Saltanat'a Giden Yolda Muaviye b. Ebi Süfyan*. Ankara, 1990.
- İsmail Hakkı Atçeken, *Devlet Geleneği Açısından Hişam b. Abdülmelik*, Kevin Alan Blook, "Hazar- Bizans İlişkileri", Ankara, 2002.
- M. F. Brosset, *Gürcistan Tarihi*, Gürcüceden çev: Hrant Andresyan, Haz: Erdoğan Merçil, Ankara, 2003.
- M.İ Artamanov, *Hazar Tarihi*, çev: Ahsen Batur, İstanbul, 2004.
- Mehmet Azimli, "Mesleme b. Abdükmelik ve Fütühatı", *Dicle Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, Diyarbakır, 2000.
- Michael Kmosko, "Araplar ve Hazarlar", *Türkiyat Mecmuası*, 1935.
- Ramazan Şeşen, İslam Coğrafyacılarına Göre Türkler ve Türk Ülkeleri, İstanbul, 1985.
- Rene Grousset, *Bozkır İmparatorluğu*, çev: Reşat Uzmen, İstanbul, 1993.
- Taberi, *Tarih*, C. III, s. 1347.
- Toprak, *Türk Kültürü Araştırmaları*, 1987.
- V. Barthold, *Orta Asya Türk Tarihi Hakkında Dersler*, Haz: K. Y. Koprıman-A. İ. Aka, Ankara, 1975.
- Yakubî, *Tarihu'l-Yakubi*, Beyrut, 1967.
- Zeki Velidi Togan, "Hazarlar", MEB. İA, C.V, Konya, 1997.
- Zeki Velidi Togan, *Umumi Türk Tarihine Giriş*, İstanbul, 1981.